



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

ستایش و سوگ امام هشتم علی السلام

در

شعر



دکتر سید جعفر شهیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ستایش و سوگ امام رضا (علیه السلام) در شعر

نویسنده:

سید جعفر شهیدی

ناشر چاپی:

کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	ستایش و سوک امام هشتم علیه السلام در شعر
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	مقدمه
۱۳	بخش نخست : شعرهای عربی
۱۳	اشاره
۱۴	اشجع سلمی
۱۶	ابونواس
۲۵	ابن معتر
۲۶	ابوفراس
۲۷	سوسی
۲۸	ابوبکر خوارزمی
۲۹	صاحب بن عباد
۳۳	ابن الحجاج
۳۴	ابن حماد
۳۵	ابن المشیع المدنی
۳۶	ضبی
۴۱	علی بن ابی عبدالله خوافی
۴۳	اربلی
۴۶	بخش دوم : شعرهای فارسی
۴۶	اشاره
۴۹	سنائی غزنوی
۵۳	خاقانی

۵۴ ..... اوحدی

۵۵ ..... خواجوی کرمانی

۵۶ ..... ابن یمین

۶۰ ..... ناصر بخاری

۶۳ ..... عصمت بخاری

۶۹ ..... شاه داعی

۷۰ ..... ابن حسام

۷۷ ..... جامی

۷۸ ..... درباره مرکز

## ستایش و سوک امام هشتم علیه السلام در شعر

### مشخصات کتاب

نام کتاب: ستایش و سوک امام هشتم علیه السلام در شعر

نویسنده: دکتر سید جعفر شهیدی

ناشر: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

تیراژ: 1000 نسخه

حروفچینی و نظارت بر چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

محل نشر: آستان قدس رضوی، دانشگاه علوم اسلامی

تاریخ: ذی‌قعدة 1404

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

شناسنامه :

نام کتاب : ستایش و سوک امام هشتم علیه السلام در شعر

نویسنده : دکتر سید جعفر شهیدی

ناشر : کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام

تیراژ : 1000 نسخه

حروفچینی و نظارت بر چاپ : مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

محل نشر : آستان قدس رضوی، دانشگاه علوم اسلامی

تاریخ : ذی‌قعدة 1404

چاپ : چاپ مشهد 90990

ص: 2



بسم الله الرحمن الرحيم

چنان که می دانیم شعر ترجمان عاطفه و احساس انسان هاست . و چون در این نوع قیاس بیشتر از تخیل و وهم استفاده می شود ، نه واقعیت خارجی ، تأثیرش در طبیعت مردم بیش از قیاس های دیگرست .

و باز می دانیم در عربستان پیش از اسلام، برخی از تیره ها، از این هنر برای بازگویی مفاخر خود بمردمان و توجه آنان بخود سود می جستند . رئیس قبیله می کوشید با بخشیدن صلت بسیار به شاعر و پذیرایی شایان از او، زبان وی را به ستایش خود و خاندان خود بگشاید، یا از او بخواهد تیره رقیب را نکوهش کند .

با ظهور اسلام بهره گیری از این هنر عاطل نماند ، شاعران قریش را می بینیم که در جنگ های بدر واحد بزرگان مکه را می ستودند و پیغمبر صلی الله علیه وآله و مسلمانان مدینه را نکوهش می کردند. در مقابل آنان رسول اکرم صلی الله علیه وآله از شاعران اردوی مسلمانان می خواست بدان ها پاسخ دهند و می فرمود شعر شما در آنان کارگتر از تیر تیرانداز انست .

با گسترش اسلام و با نزول بعضی آیه های قرآن کریم و ارشاد پیغمبر صلی الله علیه وآله اندک اندک شمار شعرهای مدحی و هجائی که رنگ نژاد و قبیله داشت کاهش یافت و سروده ها رنگ مسلمانی و اخلاق انسانی بخود گرفت.

از سال سی ام هجری که حکومت اسلامی مسیر خود را - لااقل در بعضی خطوط - تغییر داد، دوباره شعر عربی به پذیرش رنگ نژادی متمایل گشت. نمونه

این دگرگونی را در شعرهای سروده شده از عصر عثمان بن عفان به بعد می بینیم .

در دوره جنگ های داخلی - نبرد جمل و صفین - شاعران اردوی معاویه ته رنگ اسلام و اخلاق مسلمانی را هم از شعر خود زدودند و سبک شعر را به دوران پیش از اسلام عصر جاهلی - برگرداندند . در شعرهای این دوره دیگر سخنی از تقوی ، ایمان بخدا ، عدالت و حکومت امام عادل در میان نیست . آن چه می بینیم ، نازیدن تیره ای است بر تیره دیگر .

بدین شعر که اندکی از بسیارست توجه فرمائید :

أرى الشام تكبره ملك العراق \*\*\* واهل العراق لهم كارهونا

فقالوا على علينا امام \*\*\* فقلنا رضينا ابن هند رضينا

چنان که می بینیم شاعر حکمرانی عراق را بر شام نمی پذیرد - همان سخنی که لخمیان و غسانیان می گفتند - و بدین توجه ندارد که جدال بر سر اما مست ، نه زیر دست بودن شام یا عراق

تغییرهای بنیادی که از عصر معاویه در رژیم اسلامی پدید آمد منکراتی را که وی آشکارا مرتکب شد و فشار سختی که بر شیعیان علی علیه السلام وارد آورد و فجایعی که بامر یزید - از حادثه کربلا گرفته تا قتل عام مدینه - رخ داد، در حوزه های مسلمانی بی اثر نماند .

بیش تر عراق و کم تر حجاز و شام اگر تکانی نخوردند ، باری بزبان ناخشنودی نمودند ، حکمرانان سفیانی و مروانی برای اینکه ذهن مسلمانان را از اندیشیدن درباره کردار خود منحرف سازند، از یک سو مکتب های فکری مرجئه و جبریان را تقویت کردند، تا در ذهن مسلمانان ، حکومت مسئول کردار زشت خود نباشد، یا لااقل راهی برای رهایی از عذاب الهی پیش پای او گشوده بماند ، از سوی دیگر گروهی شاعر شکم باره سود جورا

بمزد گرفتند و با بخشیدن صلت های گران آنان از ایشان خواستند تا بزبان شعر آنچه را در آنان نیست بستایند و آنچه را هست بزدايند ، شاعرانی چون اخطل ، کعب بن جعيل ، بشار پسر برد و جز آنان.

عباسیان نیز چنان که می دانیم دنباله رو امویان بودند با این تفاوت که شمار شاعران ستایشگر آنان بیش از شاعران دوره اموی است.

برابر این خیل دنیا پرست از خدا بی خبر دسته ای اندک را می بینیم که در هر دو دوره - امویان و عباسیان - نه بیم جان داشتند و نه امید نان ، خدا را می خواستند و حقیقت را . اینان همان گروه کوچک اند که در تاریخ ادبیات بنام « شاعران شیعی » مشهور گشته اند . سر دسته اینان را باید کمیت بن زیاد اسدی و بهترین آثار مدحی عصر اموی را باید هاشمیت این شاعر شمرد و پس از او شاعران دیگر که در عصر اموی یا عصر عباسی می زیسته اند .

با توجه بدین نکته که این دسته از شاعران همیشه در مخاطره بودند، و شعر را برای تبلیغ عقیده خود می سروده اند، نه برای سروسامان دادن دنیای خویش ، شمار این بیت ها از جهت کمیت در خور توجه است ، مخصوصاً آنچه در ستایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام سروده شده که در این قسمت شاعران شیعی - با اختلافی که در مذهب دارند - هم عقیده اند .

و در درجه دوم ستایش های امام سوم و حادثه کربلا و نیز ستایش دختر پیغمبر که نمونه ای از آن شعرها را بمناسبت در کتاب زندگانی فاطمه علیها السلام نوشته ام .

در این بحث با کمی وقت و گرفتاری های فراوان شعرهای شاعران عرب زبان که در ستایش و یاسوک امام هشتم شیعیان سروده شده فراهم

آمده است. باید توجه داشت که سروده ها بیش از این مقدار است ، و چنان که نوشتیم مجال فراخ تری می خواهد که امیدوارم در آینده استقصای بیش تری شود. لیکن نباید از نظر دور داشت که ستایش امام هشتم را شاعران دوازده امامی عهده دارند ، در صورتی که در ستایش امیرالمؤمنین دیگر شعبه های شیعی نیز سهم دارند. و شاید یکی از علت های اندک بودن این دسته از شعرهای مدحی همین باشد.

اما چیزی که در دیده نویسنده این مقاله شگفت می نماید اینست که چرا درباره ولایتعهدی آن حضرت که بسال دویست و یک هجری قمری رخ داده نمونه بسیاری از شعر شاعران را نمی بینیم شعر سرودن پیرامون چنین واقعه بشاعران شیعه مذهب مخصوص نبوده است. خلیفه ای کاری بزرگ کرده و شخصیتی از خاندان علی را به ولایت عهدی گمارده . بخاطر بازگوئی حقیقت نه ، بخاطر خوشایند حاکم هم که باشد شاعران مدیحه سرا باید در این باره داد سخن بدهند. نمونه شعرها کو؟ و بر سر آن چه آمده است؟ نمی توان گفت شاعران در این حادثه خاموش مانده اند. آیا پس از شورش عباسیان در بغداد و بخلافت گزیدن ابراهیم بن مهدی و پشیمان شدن مأمون از کار خود و شهادت حضرت رضا ، حاکم و مأموران او بتدریج آن شعرها را از میان برده اند؟ پس از گذشت هزار و دویست سال آنچه گفته شود حدس و گمانست. بهرحال در این مقاله که قسمت نخستین از بحث ماست چنان که نوشتیم، شعرهای عربی که در مدح امام هشتم و پارثای او سروده شده و در تذکره ها و دیوان های شعر دیده شد گرد آمده است. و بخش دوم مخصوص شعر فارسی است. زمانی که در نظر گرفته ایم از نیمه دوم سده دوم هجری تا پایان سده نهم است .

بخش نخست : شعرهای عربی

اشاره

ص: 7

اشجع بن عمر و سلمی از قبیله بنی سلیم و از شاعران هم عصر بشار بن برد است. در یمامه متولد شد و به ستایش برامکه پرداخت و به محضر رشید راه یافت و کار اورونق گرفت. بسال 195 هجری قمری در گذشت.

یا صاحب العیس یحدی فی ازمتها \*\*\* اسمع واسمع غدا یا صاحب العیس

اقرا السلام علی قبر بطوس ولا \*\*\* تقرا السلام ولا النعمی علی طوس

فقد اصاب قلوب المسلمین بها \*\*\* روع و اقرخ فیها روع ابلیس

واخلست واحد الدنیا وسیدها \*\*\* فای مختلس منا ومخلوس

ولوبدا الموت حتی یستدیر به \*\*\* لاقی وجوه رجال دونه شوس

بوء سالطوس فما کانت منازلہ \*\*\* مما تخوفه الايام بالبوس

معرس حیث لا تعریس ملتبس \*\*\* یا طول ذلك من نأی و تعریس

ان المنايا انالته مخالباها \*\*\* و دونه عسکر جم الکرادیس

اوفی علیه الردی فی خیس اشبله \*\*\* والموت یلقى ابا الاشبالغی الخیس

مازال مقتبسا من نور والده \*\*\* الی النبی ضیاء غیر مقبوس

فی منیت نهضت فیہ فروعهم \*\*\* بباسق فی بطاح الملک مغروس

والفرع لا یرتقی الأعلى ثقة \*\*\* من القواعد والدنیا بتأسیس

لا يوم طوس الذي نادت بروعته \*\*\* لنا النعاة وافواه القراطيس  
حقابان الرضا اودى الزمان به \*\*\* ما يطلب الموت الاكل منفوس  
ذا اللحظتين وذا اليومين مفترش \*\*\* رمسا كآخر في يومين مرموس  
بمطلع الشمس وافته منيته \*\*\* ما كان يوم الردى عنه بمحبوس  
يا نازلا جدثا في غير منزله \*\*\* ويا فريسه يوم غير مفروس  
لبست ثوب البلى اعزز على به \*\*\* لبسا جديدا وثوبا غير ملبوس  
صلى عليك الذي قد كنت تعبه \*\*\* تحت الهواجر في تلك الاماليس  
لولا مناقضة الدنيا محاسنها \*\*\* لماتقايسها اهل المقاييس  
احلك الله دارا غير زائلة \*\*\* في منزل برسول الله مانوس (1)

ص: 9

---

1- مقاتل الطالبين ص 568 الى 570 ، اعيان الشيعة ج 12 ص 217 - 218 .

حسن بن هاني بن عبد الاول بن صباح حكيمى فارسى . متولد سال 141 و متوفى بين سالهاى 199 و 200 هجرى قمرى شاعر معروف .

اذا ابصرتك العين من بعد غاية \*\*\* وعارض فيه الشك اثبتك القلب

ولو ان قوما امموك لقادهم \*\*\* نسيمك حتى يستدل بك الركب (1)

\*\*\*

مطهرون نقيات جيوبهم \*\*\* تجرى الصلاة عليهم أينما ذكروا

من لم يكن علويا حين تنسبه \*\*\* فماله في قديم الدهر مفتخر

الله لما يرى خلقا فاتقنه \*\*\* صفاكم واصطفاكم ايها البشر

فانتم الملاء الأعلى وعندكم \*\*\* علم الكتاب و ماجاءت به السور (2)

\*\*\*

قيل لى انت احسن الناس طرا \*\*\* في فنون من الكلام النبويه

لك من جيد القريض مديح \*\*\* يثمر الدر فى يدى مجتنيه

ص: 10

1- عيون اخبار الرضا ج 2 ص 143 . بحار الانوار ج 49 ص 236 .

2- عيون اخبار الرضا ج 2 ص 142 . وفيات الاعيان ج 2 ص 433 كشف الغمه ج 2 ص 317 . بحار الانوار ج 49 ص 236 . منتخب التواريخ ص 537 .



فعلام ترکت مدح بن موسی \*\*\* والخصال التي تجتمعن فيه ؟

قلت لا استطیع مدح امام \*\*\* کان جبیریل خادمالایه (1)

واین خلکان نویسد: سبب سرودن این بیت ها این بود که یکی از دوستان ابونواس و یرا گفت وقیح تر از تو ندیدم . درباره شراب و دیگر چیزها سخنی ناگفته نگذاشتی . این علی بن موسی الرضا است که در عصر تو بسر می برد و تو در ستایش او چیزی نگفته ای / گفت به خدا که بخاطر بزرگی او و یرا نستودم مانند مرا چه حدی است که مانند او را بستاید. سپس این بیت ها را سرود. (2)

لیکن با آن که این قطعه و قطعه های پیشین در چند مأخذ بنام ابونواس ثبت شده در نسبت آن بوی نمی توان تردید نکرد چرا که :

1 - سالیان مرگ ابونواس را بین 199 - 200 هجری نوشته اند . در این

سال ها ابونواس در بغداد بسر می برده و امام علی بن موسی الرضا در مدینه. شاعری چون ابونواس که عمر خود را در ستایش کسانی گذرانده که بدو نواله می بخشیده اند و نیز از تقوی و فضیلت اخلاقی بی بهره بوده چگونه کسی را می ستاید که فرسنگ ها با او فاصله مکانی دارد و امید بخششی از وی ندارد . بلی اگر زمان ابونواس بدرازا می کشید و سال ولایت عهدی امام هشتم را در می یافت و همراه مامون در خراسان بسر می برد ، ممکن بود این بیت ها و همانند آنرا از او دانست .

ص: 11

---

1- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 142 و فیات الاعیان ج 2 ص 433 . النقص ص 228 . مناقب ج 2 ص 342 - 343 بحار الانوار ج 49 ص 435 .

2- و فیات الاعیان ج 2 ص 433 .

2 - ابونواس که هر چه داشته از بخشش هارون و امین و مأمونست

خود را ستایش گوی عباسیان بحساب آورده چگونه جرات می کند این بیت را بسراید :

من لم یکن علویا حین تنسبه \*\*\*فماله فی قدیم الدهر مفتخر

3 - در هیچ یک از دیوان ها که شعرهای ابونواس در آن گرد آمده این

قطعه دیده نمی شود . با احتمال قوی این قطعه ها سروده شاعر شیعی مذهب و درست اعتقادی است و ناسخان نادانسته آن را بنام ابونواس ثبت کرده اند .

هرگاه چنان که مشهور است، این بیت ها سروده ابن حسام باشد، توفیقی رفیق او کشته، و با چنین خدمت، برخی از گناهان خویش را در معرض بخشایش نهاده، و ذخیره ای برای آخرت خود اندوخته است.

ص: 12

یحیی بن مبارک بن مغیره مکنی به ابو محمد مولای بنی عدی بن عبد مناف .

یاقوت ترجمه او را در معجم الادباً ج 2 ص 30 - 32 آورده و نویسد در روزگار رشید با کسائی در بغداد بود. او را مجموعه ای از ادب است که اندکی از شعر خود را در آن آورده در سن شصت و چهارسالگی به خراسان در گذشت لیکن اگر این شاعر بسال 202 مرده باشد این بیتها از او نیست چه مسلماً بیت ها پس از شهادت امام رضا بسال 203 سروده شده است .

لطوس لاقدس الله طوساً\*\*\* کل یوم تحوز علقاً نفیسا

أت بالرشید فاقتنصته\*\*\* وثنت بالرضا علی بن موسی

مام لا کالائمة فضلاً\*\*\* فسعود الزمان عادت نحوسا (1)

ص: 13

---

1- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 255. بحار ج 49 ص 318.

یکی از کنیزکان مأمون در مرثیه آن حضرت سروده است :

سقیاء الطوس ومن اضحی بها قطناً \*\*\* من عترة المصطفی ابقی لنا حزناً

اعنی ابا حسن المأمون ان له \*\*\* حقاً علی کل من اضحی بها شجناً (1)

ص: 14

---

1- بحارج 49 ص 306 از کتاب غیبت شیخ طوسی دو بیت فوق را به کنیز کی از خنیاگران مأمون نسبت داده است.

ابراهیم بن عباس بن محمد . کاتب . مترسل شاعر از وابستگان فضل بن سهل ذوالریاستین متوفای سال 243 هجری قمری.

ازالت عزاء القلب بعد التجلد \*\*\* مصارع اولاد النبي محمد (1)

مؤلف کشف الغمه دو بیت زیر را به نقل از صولی آورده تانشان دهد که نام اوتکتتم است و گوید دلیل آن این که شاعر گفته است :

الا إن خير الناس نفسا ووالدا \*\*\* ور هطا واجداداً علی المعظم

انتنا به للعلم والحلم ثامنا \*\*\* اماما يؤدي حجة الله تکتتم (2)

ص: 15

---

1- اغاني ج 10 ص 52 بحارج 49 ص 235 .

2- كشف الغمه ج 2 ص 312 . منتخب التواريخ ص 525 ، مناقب 490 . ص 332.

نام او را حسن ، عبدالرحمن ویا محمد نوشته اند ، اما به دعبل مشهور است و کنیه او ابوعلی یا ابوجعفر، واز تیره خزاعه است . بسال 148 هجری قمری متولد شد و در سال 246 هجری قمری شهید گشت ( مقدمه دیوان . چاپ دجیلی )

دعبل شاعری شیعی و ستاینده خاندان رسول اکرم صلی الله علیه وآله، و قصیده تائیه که آن را بر حضرت رضا علیه السلام خوانده مشهور است.

الا ما لعنني بالدموع استهلت \*\*\* ولو فقدت ماء الشئون لقرت

علی من بکتہ الارض واسترجعت له \*\*\* رؤس الجبال الشامخات وذلت

وقد اعولت تبکی السماء لفقده \*\*\* وانجمها ناحت علیه وکلت

رزینا رضی الله سبط نبینا \*\*\* فاخلفت الدنیا له و تولت

فنحن علیه الیوم اجدر با لیکما \*\*\* لمرزئة عزت علینا و جلت

وما خیر دنیا بعد آل محمد \*\*\* الا لانبا لیها اذا ما اضمحلت

تجلت مصیبات الزمان ولا اری \*\*\* مصیبتنا بالمصطفین تجلت (1)

ص: 16

\*\*\*

یا حسرة تتردد \*\*\* وعبرة ليس تنفد

علی علی بن موسی \*\*\* بن جعفر بن محمد

قضی غریبا بطوس \*\*\* مثل الحسام المجرد (1)

\*\*\*

اربع بطوس علی قبر الزکی بها \*\*\* ان كنت تربع من دین علی وطر

قبران فی طوس خیر الناس کلهم \*\*\* وقبر شرم هذا من العبر

ما ینفع الرجس من قرب الزکی ولا \*\*\* علی الزکی بقرب الرجس من ضرر

هیئات کل امرئ رهن بما کسبت \*\*\* له یداه فخذ ماشئت او فذر (2)

\*\*\*

وقد کنا نؤمل ان سحیا \*\*\* امام هدی له رأی حصیف

تری سکنااته فتقول غر \*\*\* وتحت سکونه رأی ثقیف

له سمحاء تغواکل یوم \*\*\* بنائله و ساریة تطوف

فاهد أریحه قدر المنایا \*\*\* وقد کانت له ریح عصفوف

اقام بطوس تلحفه المنایا \*\*\* مزار دونه نأی قذوف (3)

ص: 17

---

1- مناقب ج 4 ص 376 ، بحارج 49 ص 314 دیوان دجیلی ص 185 اشترص 236 - 237 و این دو بیت را اضافه دارد : یاطوس

طوباک قدصر \*\*\* ت لابن احمد مشهد و یا جفونی استهلی \*\*\* و یا فوادى توقد

2- الاغانی ج 2 ص 180 . زهر الآداب ج 1 ص 85 . عیون اخبار الرضا ج 2 ص 254 بحارج 49 ص 318 دیوان دجیلی 198. اشتر

ص 145 - 146 .

3- مناقب ج 2 ص 377. دیوان دجیلی ص 235 و در دیوان مصحح دکتر اشترد و بیت زیر را : لقد رحل بن موسی بالمعالی \*\*\* وسار

بسیره العلم الشریف وتابعه الهدی والدین کلا \*\*\* کما یتبع الالف الالیف بیش از بیت های بالا و دو بیت زیر را بعد از بیت ها اضافه دارد

: فقل للشامتین بنارو یداً \*\*\* فما تبقى أمر ایمشی الحتوف سورتم بافتقاد فتی بکاه \*\*\* رسول الله والدین الحنیف دیوان ص 341 - 343 .

يمانكة جاءت من الشرق \*\*\* لم تتركى منى ولم تبقى  
 موت على ابن موسى الرضا \*\*\* من سخط الله على الخلق  
 و اصبح الاسلام مستعبرا \*\*\* لثلمة باينة الرتق  
 سقى الغريب المُنْتنى قبره \*\*\* بأرض طوس سبل الودق  
 اصبح عيني مانعا للكرى \*\*\* واولع الاحشاء بالخفق (1)  
 و در ضمن بيتهائی که در نکوهش عباسیان سروده گوید :  
 الا ايها القبر الغريب محله \*\*\* بطوس عليك الساريات هتون  
 شككت فما ادري اَمَسَقِي شربة \*\*\* فَاُبْكِيك ام ريب الردى فيهون  
 و ايهما ما قلت ان قلت شربة \*\*\* و ان قلت موت انه لقمين  
 ايا عجبا منهم يسمونك الرضا \*\*\* و تلقاك منهم كلحة و غضون  
 اتعجب للا جلاف ان يَتَخَيَّفُوا \*\*\* معالم دين الله و هو مبين  
 لقد سبقت فيهم بفضلك آية \*\*\* لدى و لكن ماهناك يقين (2)

ص: 18

- 
- 1- مناقب ج 2 ص 374. ديوان مصحح دكتر اشتر ص 344 بحار ج 49 ص 314. اين بيت ها در ديوان مصحح دجيلی نيامده است .  
 2- مقاتل الطالبين ص 570 - 580 ديوان چاپ دجيلی ص 289 - 290 بحار ج 49 ص 315 در چاپ دكتر اشتر 347 - 348 قطعه  
 ای بنام دعبل ثبت است که دو بیت نخست آن مطابق با چاپ دجيلی و بيت های ديگر متفاوت است.



عبدالله بن معتز بن متوکل . کنیه او ابوالعباس است . بسال 296 هجری قمری به خلافت رسید و تنها یک روز خلافت کرد. در دوم ماه ربیع الثانی همان سال کشته شد .

واعطاکم المأمون حق خلافة \*\*\* لناحقها لکنه جا دبالدنیا

فمات الرضا من بعد ماقد علمتمم \*\*\* ولاذت بنا من بعده مرة اخرى (1)

ص: 19

---

1- مناقب ج 2 ص 365 .

حارث بن ابوالعلاء ، سعيد بن حمد ان بن حمدون مكنى به ابوفراس مقتول به سال 323 هـ - ق .

باؤاقتل الرضا من بعد بيعته \*\*\* وابصر وابغضه من رشد هم وعموا

عصابة شقيت من بعد ما سعدت \*\*\* ومعشر هلکوا من بعد ما سلموا

لابيعة ردعتهم عن دمائهم \*\*\* ولا يمين ولا قربي ولا رحم (1)

ص: 20

---

1- مناقب ج ص 376 بحارج 49 ص 314 .

ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن عبد العزيز متوفى سال 370 هجرى قمرى.

بأرض طوس نائى الاوطان \*\*\* اذغره المأمون بالامان

حين سقاه السم فى الرمان (1)

ص: 21

---

1- مناقب ج 2 ص 374.

محمد بن عباس . ادیب وشاعر معروف و از معاصران صاحب بن عباد. بسال 385 در گذشت .

یا هارون من امره بدعة ( کذا ) \*\*\* جاورت قبراً قر به رفعة

ترید أن تفلح من أجله \*\*\* لن تدخل الجنة بالشفعة (1)

ص: 22

---

1- مناقب ج 4 ص 350.

اسماعيل بن عباد ، اديب، شاعر و مترسل معروف وزير مؤيد الدولة و فخرالدولة ديلمي متوفى به سال 385 هجرى قمرى.

يا سائرا زائرا الى طوس \*\*\* مشهد طهر وارض تقديس

ابلغ سلامي الرضا و حط على \*\*\* اكرم رمس لخير مر موسى

والله والله حلفة صدرت \*\*\* من مخلص فى الولاة مغموس

اني لو كنت مالكاربى \*\*\* كان بطوس الغناء تعريس

و كنت امضى العزيم مرتحلا \*\*\* منتسفاً فيه قوة العيس

لمشهد بالزكاء ملتحف \*\*\* و بالسنى والسناء مأنوس

ياسيدى وابن سادتي ضحكت \*\*\* وجوه دهرى بعقب تعيس

لما رايت النواصب انتكست \*\*\* راياتها فى زمان تنكيس

صدعت بالحق فى ولائكم \*\*\* والحق مذكان غير مبخوس

يا بن النبي الذي به قمع \*\*\* الله ظهور الجبابر الشوس

وابن الوصي الذي تقدم فى \*\*\* الفضل على البزل القناعيس

وحائز الفخر غير منتقص \*\*\* ولا بس المجد غير تليس

ان بني النصب كاليهود وقد \*\*\* يخلط تهويد هم بتمجيس

كم دفنوا في القبور من نجس \*\*\* اولى به الطرح في النواويس  
عالمهم عند ما اباحته \*\*\* في جلد ثور و مسك جاموس  
اذا تأملت شوم جبهته \*\*\* عرفت فيها اشراك ابليس  
لم يعلموا والاذان يرفعكم \*\*\* صوت اذان ام قرع ناقوس  
انتم حبال اليقين اعلقها \*\*\* ما وصل العمر حبل تنفيس  
كم فرقة فيكم تكفرتي \*\*\* ذلت هاماتها بفطيس  
قمعتها بالحجاج فانخذلت \*\*\* تجفل عنى بطير منحوس  
ان ابن عباد استجار بكم \*\*\* فما يخاف الليوث في الخيس  
كونوا يا سادتي وسائله \*\*\* يفسح له الله في الفراديس  
كم مدحة فيكم يحبرها \*\*\* كانها حلة الطواويس  
وهذه كم يقول قارئها \*\* قد نشر الدر في القراطيس  
يملك رق القريض قائلها \*\*\* ملك سليمان عرش بلقيس  
بلغه الله ما يؤمله \*\*\* حتى يزور الامام في طوس

\*\*\*

يا زائرا قد نهضنا \*\*\* مبتدر اقدر كضا  
وقد مضى كانه \*\*\* البرق اذا ما او مضى  
ابلق سلامي زاكيا \*\*\* بطوس مولاي الرضا  
سبط النبي المصطفى \*\*\* وابن الوصي المرتضى  
من حاز عزا اقعسا \*\*\* وشاد مجدا ابيضا

\*\*\*

وقل له من مخلص \*\*\* يرى الولا مفترضا

في الصدر لفتح حرقة\*\*\* تترك قلبي حرضا

ص: 24

من ناصبين غادروا \*\*\* قلب الموالى ممرضا

صرحت عنهم معرضا \*\*\* ولم اكن مُعْرَضًا

نابذتهم ولم ابل \*\*\* ان قيل قد ترفضنا

ياحبذا رفضي لمن \*\*\* نابذكم وابغضنا

ولو قدرت زرته \*\*\* ولو على جمر الغضا

لكننى معتقل \*\*\* بقيد خطب عرضا

جعلت مدحى بدلا \*\*\* من قصده وعوضا

امانة موردة \*\*\* على الرضا لترضى

رام ابن عباد بها \*\*\* شفاعة لن تدحضا (1)

ص: 25

---

1- عيون اخبار الرضا ج 1 ص 4-2.



حسین بن احمد بن حجاج بغدادی مکنی به ابو عبدالله شاعری شیعی و معاصر سید مرتضی و سید رضی بوده است . به سال 391 هجری قمری در گذشت.

یا ابن من توثر المکارم عنه \*\*\* و معالی الآداب تمتاز عنه

من سمی الرضا علی بن موسی \*\*\* رضی الله عن ابیه وعنه

\*\*\*

و سمی الرضا علی بن موسی \*\*\* لک فعل یرضی صدیقک عنکا (1)

ص: 26

---

1- مناقب ج 4 ص 343 .

علی بن عبید اللہ بن حماد عدوی بصری مکنی بہ ابن حماد متولد و متوفای سده چهارم و از معاصران صدوق (ره)

ساقها شوقی الی طوس \*\*\* و من تحویہ طوس

مشهد فیہ الرضا \*\*\* العالم والحبر النفیس

ذاک بحر العلم وال- \*\*\* حکمة إن قاس مقیس

ذاک نور اللہ لایطفی \*\*\* له ققط طمیس (1)

\*\*\*

الذی لاذبه الطیبة \*\*\* والقوم جلوس

من ابوه المرترضی یزکوا \*\*\* ویعلوا ویروس (2)

ص: 27

---

1- مناقب ج 2 ص 350 .

2- مناقب ج 2 ص 348 .

از شاعران شیعی. و چنان که می بینیم صدوق شعر او را در کتاب خود عیون اخبار الرضا آورده است. بنابراین پس از پایان سده چهارم نمی زیسته. تاریخ وفات او را بدست نیاوردم.

یا بقعة مات بها سیدی \*\*\* مامله فی الناس من سید

مات الهدی من بعده والندی \*\*\* وشم الموت به یقتدی

لازال غیث الله یاقبره \*\*\* علیک منه رائحا مغتدی

کان لنا غیثا به نرتوی \*\*\* وکان کالنجم به نهتدی

ان علیا ابن موسی الرضا \*\*\* قد حل والسوءد فی ملحد

یاعین فابکی بدم بعده \*\*\* علی انقراض المجد والسؤدد (1)

ص: 28

---

1- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 254 مناقب ج 4 ص 359. بحارج 49 ص 317. منتخب التواریخ ص 54.

محمد بن حبيب ضبي متوفى حدود سال 400 هجرى قمرى .

قبر بطوس به اقام امام \*\*\* حتم اليه زيارة ولمام

قبر اقام به السلام واذ غدا \*\*\* تهدى اليه تحية وسلام

قبر سنا انواره تجلوا العمى \*\*\* وبتربه قد تدفع الاسقام

قبر يمثل للعيون محمدا \*\*\* ووصيه والمؤمنون قيام

خشع العيون لذا وذاك مهابة \*\*\* فى كنهها لتحرير الافهام

قبر اذ احل الوفود بربعه \*\*\* رحلوا و حطت عنهم الآثام

وتزودوا أمن العقاب واومنوا \*\*\* من ان يحلّ عليهم الاعدام

الله عنه به لهم متقبل \*\*\* وبذاك عنهم جفت الافلام

ان يغن عن سقى الغمام فانه \*\*\* لولاه لم تسق البلاد غمام

قبر على ابن موسى حله \*\*\* بشراه يزهو الحل والاحرام

فرض اليه السعى كالبيت الذى \*\*\* من دونه حق له الاعظام

من زاره فى الله عارف حقه \*\*\* فالمس منه على الجحيم حرام

ومقامه لاشك يحمد في غد \*\*\* وله بجنات الخلود مقام

وله بذاك الله اوفى ضامن \*\*\* قسما اليه تنتهي الاقسام صلى الاله على النبي محمد \*\*\* وعلت عليا نصرة وسلام

وكذا على الزهراء صلى سرمدًا \*\*\* رب بواجب حقها علام  
وعليه صلى ثم بالحسن ابتدا \*\*\* وعلى الحسين لوجهه الاكرام  
وعلى على ذى التقى ومحمد \*\*\* صلى وكل سيد و همام  
وعلى المهذب والمطهر جعفر \*\*\* ازكى الصلاة وان ابى الاقوام  
الصادق المأثور عنه علم ما \*\*\* فيكم به تتمسك الاقوام  
وكذا على موسى ابيك وبعده \*\*\* صلى عليك وللصلاة دوام  
وعلى محمد الزكي فضو عفت \*\*\* وعلى على ما استمر كلام  
وعلى الرضا ابن الرضا الحسن الذي \*\*\* عم البلاد لفقده الاظلام  
وعلى خليفته الذي لكم به \*\*\* تم النظام فكان فيه تمام  
فهو المؤمل ان يعود به الهدى \*\*\* غضا وان تستوسق الاحكام  
لولا الأئمة واحد عن واحد \*\*\* درس الهدى واستسلم الاسلام  
كل يقوم مقام صاحبه الى \*\*\* ان تنتهى بالقائم الاعلام  
يا ابن النبي وحجة الله التي \*\*\* هى للصلاة وللصيام قيام  
ما من امام غاب عنكم لم يقم \*\*\* خلف له تشفى به الاوغام  
ان الأئمة يستوى فى فضلها \*\*\* والعلم كهل منكم و غلام  
انتم الى الله الوسيلة والأولى \*\*\* علموا الهدى فهم له اعلام  
انتم ولاة الدين والدنيا ومن \*\*\* لله فيه حرمة وذمام  
ما الناس الأمن اقر بفضلكم \*\*\* والجاحدون بهائم وسوام  
بل هم اضل عن السبيل بكفرهم \*\*\* والمقتدى منهم بهم ازلاميرعون فى دنياكم وكانهم \*\*\* فى جحدهم إنعامكم أنعام  
يا نعمة الله التي يحبوها \*\*\* من يصطفى من خلقه المنعام  
ان غاب منك الجسم عنا إنه \*\*\* للروح منك اقامة ونظام



ارواحكم موجودة أعيانها \*\*\* ان عن عيون غيّت اجسام  
الفرق بينك والنبى نبوة \*\*\* اذ بعد ذلك تستوى الاقدام  
قبران فى طوس الهدى فى واحد \*\*\* والغى فى لحديره ضرام  
قبران مقتربان هذاترعة \*\*\* حبوبة فيها نزول امام  
وكذاك ذلك من جهنم حفرة \*\*\* فيها تجدد للغوى هيام  
قرب الغوى من الزكى مضاعف \*\*\* لعذابه ولانفه الارغام  
ان يدن منه فانه لمباعد \*\*\* وعليه من خلع العذاب ركام  
وكذاك ليس يضرك الرجس الذى \*\*\* تدنيه منك جنادل ورخام  
لابل بريك عليه اعظم حسرة \*\*\* اذ انت تكرم واللعين يسام  
سوء العذاب مضاعف تجرى به \*\*\* الساعات والايام والاعوام  
ياليت شعرى هل بقائكم غدا \*\*\* يغدو بكفى للقراع حسام  
تطفى يداى به غليلا فيكم \*\*\* بين الحشالم ترو منه أوام  
ولقد يهيبنى قبوركم اذا \*\*\* هاجت سواى معالم و خيام  
من كان يغرم بامتداح ذوى الغنى \*\*\* فبمد حكم لي صبوة وغرام  
والى ابى الحسن الرضا اهديتها \*\*\* مرضية تلتنها الافهام  
خذها عن الضبي عبدكم الذى \*\*\* هانت عليه فيكم الالوام  
ان اقض حق الله فيك وان لى \*\*\* حق القرى للضيف اذيعتام  
فاجعله منك قبول قصدى انه \*\*\* غنم عليه حدانى استغنام  
من كان بالتعليم ادرك حيكم \*\*\* فمحبتى اياكم إلهام (1)

1- عيون اخبار الرضا ج 2 ص 255 - 257 ورك مناقب ج 2 ص 359 بحارج 49 ص 319 - 321.



## علی بن ابی عبدالله خواری

یا ارض طوس سقاك الله رحمته \*\*\* ماذا حویت من الخیرات یا طوس

طابت بقاعك فی الدنيا وطیبتها \*\*\* شخص ثوی بسنا آباد مرموس

شخص عزیز علی الاسلام مصرعه \*\*\* فی رحمة الله مغمور ومغموس

یا قبره انت قبر قد تضمنه \*\*\* حلم وعلم وتطهیر وتقديس

فخرافانك مغبوط بجهته \*\*\* وبالملائكة الابرار محروس (1)

محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی متوفی 588 این بیت ها را بنام ادیب ثبت کرده است :

تجوز زیارة قبر بن حرب \*\*\* وتربة حفص ویحی بن یحی

فلم لا تجوز زیارة قبر \*\*\* الامام علی بن موسی الرضا

سلیل البتول وسبط الرسول \*\*\* ونجل ابی الحسن المرتضی (2)

وعبدالله بن مبارک سروده است :

هذا علی والهدی یقوده \*\*\* من خیرفتیان قریش عوده (3)

ص: 32

---

1- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 254 . مناقب ج 4 ص 359 بحارج 49 ص 317 . اعیان الشیعه ج 7 ص 77 .

2- مناقب ج 4 ص 350 .

3- مناقب ج 2 ص 362 .

وازعونی آرد :

ذاك الذي آثره المامون با \*\*\* العهد وسماه الرضا لما اختبر

\*\*\*

این بیت ها را مؤلف مناقب بنام بحری آورده که وصف رفتن امام برای نماز عید است :

ذكروا بطلعتك النبي فهللوا \*\*\* لما طلعت من الصفوف وكبروا

حتى انتهيت الى المصلى لابساً \*\*\* نور الهدى يبدو اعليك فيظهروا

و مشيت مشيته خاشع متواضع \*\*\* لله لا يزهي ولا يتكبر

ولوان مشتاقا تكلف غير ما \*\*\* في وسعه لمشي اليك المنبر (1)

ص: 33

---

1- مناقب ج 4 ص 363.

على بن عيسى بن ابوالفتح اربلى ملقب به بهاء الدين عالم مشهور و مؤلف كتاب كشف الغمه في معرفة احوال الائمة . متوفى 692 هجرى قمرى .

ايها الراكب المجدد قف العيس \*\*\* اذا ما حللت في ارض طوسا

لا تخف من كلالها ودع التاد \*\*\* يب دون الوقوف والتعريا

والثم الارض ان رأيت ثرى \*\*\* مشهد خير الورى على بن موسى

وابلغنه تحية وسلاما \*\*\* كشدى المسك من على بن عيسى

قل سلام الاله في كل وقت \*\*\* يتلقى ذاك المحل النفسا

منزل لم يزل به ذاكر الله \*\*\* يتلوا التسبيح والتقد يسا

دار عزما انفك قاصدها \*\*\* يزجي اليها آماله والعيسا

بيت مجد مازال وقفا عليه \*\*\* الحمد والمدح والثناء حيسا

ما عسى أن يقال في مدح قوم \*\*\* اسس الله مجدهم تأسيا

ما عسى ان اقول في مدح قوم \*\*\* قدس الله ذكرهم تقديسا

هم هداة الورى وهم اكرم \*\*\* الناس اصولا شريفه ونفوسا

ان عرت أزمة تندوا غيوثا \*\*\* اودجت شبهة تبدوا شموسا

شرقوا الخيل والمنابر لما \*\*\* افترعوها والناقة العنتريسا

معشر حبهم يجلى هموما \*\*\* و مزايهم تجلى طروسا  
كرموا مولدا وطابوا اصولا \*\*\* وزكوا محتدا وطالواغروسا  
ليس يشقى بهم جليس و من كا \*\*\* ن ابن شوري اذا اراد و اجليسا  
قمت في نصرهم بمدحى لما \*\*\* فاتنى ان اجرقيه خميسا  
ملا و بالولاء قلبي رجاء \*\*\* و بمدحى لهم ملأت الطروسا  
فترانى لهم مطيعا حيننا \*\*\* و على غيرهم ابيا شموما  
يا على الرضا ابنك ودا \*\*\* غادر القلب بالگرام وطيسا  
مذهبي فيك مذهبي و بقلبي \*\*\* لك جب ابقى جوى و رسيسا  
لاارى داءه بغيرك يشفى \*\*\* لا ولا جرحه بغيرك يوسى  
اتمنى لوزرت مشهدك \*\*\* العالى و قبلت ربك المأنوسا  
واذا عزان از ورك يقظان \*\*\* فزرنى في النوم واشف السيسا  
انا عبدلكم مطيع اذا ما \*\*\* كان غيرى مطاوعا ابليسا  
قد تمسكت منكم بولاء \*\*\* ليس يلقى القشيب منه دريسا  
اترجى به النجاة اذا ما \*\*\* خاف غيرى فى الحشر ضراو بوسا  
فارانى والوجه منى طلق \*\*\* وارى اوجه الشناة عبوسا  
لا اقيس الانام منكم بشع \*\*\* جلّ مقدار مجدكم ان اقيسا  
من عددنا من الورى كان مرؤ \*\*\* ساو منكم من عد كان رئيسا  
فغدا العاملون مثل الذنابي \*\*\* و غدوتم للعالمين رؤسا

1- كشف الغمه ج 2 ص 341 و 342 .



بخش دوم : شعرهای فارسی

اشاره

ص: 37

چنان که می دانیم شعر فارسی نخست از شرق ایران برخاست ، سپس سرودن آن در ایران مرکزی و شمال کشور رواج یافت . با توجه بدین نکته که از آمدن اسلام به ایران تا پایان دوره مغولان مذهب رایج در نشأت گاه شعر فارسی مذهب حنفی بوده است، نباید توقع داشت شاعران ، شعر بسیاری در ستایش آل علی سروده باشند ، بخصوص که آنچه باقی مانده شعرهای مدحی شاعران درباری است که برای نان سروده اند، نه از روی عقیده و ایمان ، و شعرهایی که زاده احساس و عاطفه پاک سرایندگان آن شعرهاست بتدریج از میان رفته. در طول این هفتصد سال وضع چنین بوده است، البته قلمرو آل بویه که مذهب شیعه را ترویج می کردند حساب جداگانه دارد و نیز از چند شهر دیگر شاعران شیعی برخاسته و به عربی و فارسی در مدح آل علی سخن سروده اند. اما چنانکه نوشتیم، اینان تا عصر تیموری در اقلیت بوده اند. فاطمیان در سده چهارم در شرق ایران نفوذی یافتند و شاعران فارسی زبان به ستایش آنان گشودند ، اما از شاعران این مذهب نیز توقع ستایش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را نباید انتظار داشت ، چنان که در دیوان ناصر خسرو نامی از امام هشتم نیامده است. لیکن ستایش امیر المؤمنین علی علیه السلام، امام حسین و دختر پیغمبر را در شعر او می توان دید. با این همه پیش از عصر تیموریان و شیوع مذهب شیعه شاعران عارف

مسلک را می بینیم که پاره ای شعرهای خود را به ستایش هشتمین امام زینت بخشیده اند . در سده هشتم پس از کاهش هجوم مغولان و روی کار آمدن تیموریان و نیز با تأسیس حکومت سربداران مذهب شیعه در قسمت های مهم ایران شایع می شود و از سده هشتم هجری است که شعرهای مدحی را درستایش امامان و از جمله امام هشتم فراوان می بینیم . آنچه در این بخش فراهم آمده نمونه هایی از شعر فارسی تا پایان سده نهم هجری است . در آغاز دهم و تأسیس حکومت صفویان و رسمیت یافتن مذهب شیعه مسلم است که این گونه شعرها فراوان سروده شده است .

ص: 39



مجدود بن آدم . کنیه او ابوالمجد متخلص به سنائی . از مردم غزنه عارف شاعر و سخن سرای نامی متولد سده پنجم متوفای نیمه اول سده ششم هجری .

دین را حر میست در خراسان \*\*\* دشوار ترا به محشر آسان

از معجزهای شرع احمد \*\*\* از حجت های دین یزدان

همواره رهش مسیر حاجت \*\*\* پیوسته درش مشیر غفران

چون کعبه پر آدمی زهر جای \*\*\* چون عرش پر از فرشته هزمان

هم فرشته کرده جلوه \*\*\* هم روح وصی در او به جولان

از رفعت او حریم مشهد \*\*\* از هیبت او شریف بنیان

از دور شده قرار زیرا \*\*\* نزدیک بمانده دیده حیران

از حرمت زایران راهش \*\*\* فردوس فدای هر بیابان

قرآن نه در او و او اولو الامر \*\*\* دعوی نه و با بزرگ برهان

ایمان نه و رستگار از و خلق \*\*\* توبه نه و عذرهای عصیان

از خاتم انبیا درو تن \*\*\* از سید اوصیا درو جان

آن بقعه شده به پیش فردوس \*\*\* آن تر به به روضه کرده رضوان

از جمله شرط های توحید \*\*\* از حاصل اصل های ایمان

زین معنی زاد در مدینه \*\*\* این دعوی کرده در خراسان

در عهد موسی آل جعفر \*\*\* با عصمت موسی آل عمران

مهرش سبب نجات و توفیق \*\*\* کینش مدد هلاک و خذلان

مأمون چو بنام او درم زد \*\*\* بر زر بفزود هم درم زان

حوری شد هر درم بنامش \*\*\* کس را در می زدند زینسان؟

از دیناری همیشه تاده \*\*\* نرخ در می شده است ارزان

از مهر زیاد آن درمها \*\*\* از حرمت نام او چو قرآن (1)

این کار هر آینه نه بازیست \*\*\* این خور بیچه گل کنند پنهان؟

ز راست بنام هر خلیفه \*\*\* سیمست بضر ب خان و خاقان

بی نام رضا همیشه بی نام \*\*\* بی شان رضا همیشه بیشان

بانفس نبی که راست باشد \*\*\* چون خور که بتابد از گریبان

بردین خدا و شرع احمد \*\*\* بر جمله زکافر و مسلمان

چون او بود از رسول نایب \*\*\* چون او سزد از خدای احسان

ای مامون کرده باتو پیوند \*\*\* وی ایزد بسته باتو پیمان

این پیوندت گسسته پیوند \*\*\* وان پیمانت گرفته دامان

از بهر تو شکل شیر مَشند \*\*\* درنده شده به چنگ و دندان

آن را که از پیش تخت مأمون \*\*\* برهان تو خوانده بود بهتان بادرد جُحود منکرش را \*\*\* اقرار دو شیر ساخت درمان

از معتبران اهل قبله \*\*\* وز معتمدان دین دیان

کس نیست که نیست از تورا ضی \*\*\* کس نیست که هست بر تو غضبان

اندر پدرت وصی احمد \*\*\* بیتیست مرا بحسب امکان

---

1- ظ : بر مهر زدند آن

تضمین کنم اندرین قصیده \*\*\* کین بیت فرو گذاشت نتوان

ای کین تو کفر و مهرت ایمان \*\*\* پیدا به تو کافر از مسلمان

در دامن مهرتوزدم دست \*\*\* تا کفر نگیردم گریبان

اندر ملک امان علی راست \*\*\* دل در غم غربت تو بریان

ص: 42

حسان العجم ، افضل الدين، بدیل (ابراهیم) بن نجیب الدین ملقب و متخلص به خاقانی . متوفای 595 هـ. ق .

وی درد و قصیده مشهور که با سخنی جانسوز شوق خود را زیارت خراسان بیان می کند در وصف روضه رضوی سروده است:

روضه پاک رضا دیدن اگر طغیانست \*\*\* شاید ار برره طغیان شدم نگذارند

\*\*\*

بر سر روضه معصوم رضا شبه رضوان شوم ان شاء الله

ص: 43

رکن الدین اوحدی مراغه ای اصفهانی متوفای 738 هـ - ق .

به شهیدان کربلا و فسوس \*\*\* بستم کشتگان مشهد طوس

ص: 44

کمال الدین محمود مرشدی متخلص به خواجو متولد به سال 689 و متوفای سال 753 هجری قمری .

به سر و باغ رضا مرتضای خضر قرین \*\*\* چراغ چشم سماوات و شمع روی زمین

سهیل دارسلام و خورخراسان تاب \*\*\* شهید مشهد و خسرونشان طوس نشین

طراوت رخ ایمان امین ملک امان \*\*\* حرارت دل مأمون حبیب روح امین

حسن نهاد وعلی نام و موسوی گوهر \*\*\* ذبیح نسبت ویحی دل و مسیح آئین

فروغ طلعت او آفتاب اوج لهدی \*\*\* غبار درگه او کحل چشم حورالعین

مزار قطب سپهر آستان معبد اوست \*\*\* سرشک دیده پروین گلاب مرقد اوست

محمود بن یمین الدین فریومدی از شاعران سده هشتم هجری و از ستایشگران سربداران . وی به سال هفتصد و شصت و نه هجری در گذشت

گوهرافشان کن زبان ایدل که می دانی چه جاست \*\*\* مهبط نورالهی روضه پاک رضاست

در دریای فتوت گوهر کان کرم \*\*\* آنک شرح جود آباء کرامش هل اتاست

ظلمت و نور جهان عکسی زموی وروی اوست \*\*\* موی او واللیل إذا یغشی ورویش والضُحاست

قبه گردون ندارد قدر خاک درگهش \*\*\* یارب این فردوس اعلی یا مقام کبریاست؟

سرمه ئی از خاک پای او کشیدست آفتاب \*\*\* موجب این دانم که عینش منبع نور و ضیاست

اوست بعضی از وجود آن که در معراج قدس \*\*\* گرد نعل مرکبش روح الامین راتوتیاست



قلب می گردد روان از بوی خاک درگهش \*\*\* خاک نتوان گفتنش کز روی عزت کیمیاست

قبه پرنورش از رفعت سپهر دیگرست \*\*\* واندر و ذات پرانوارش چومهراندر سماست

رفعت گردون گردان دارد آن گه بر سری \*\*\* مجمع تقوی و عصمت مرکز صدق و صفاست

حاسد ارشناسدش کز روی رفعت کیست او \*\*\* پادشاه اتقیا و از کیا و اصفیاست

قوة العین نبی فرزند دلبند وصی \*\*\* مظهر الطاف ایزد فخر اصحاب عباس است

مقتدای شرق و غرب و پیشوای برو بحر \*\*\* خود چنین باشد کسی کونور پاک مصطفاست

هست مخدوم بحق اهل جهان را بهر آنک \*\*\* وارث آنست کورا بر جهان حق ولاست

وارث شاهی که از تشریف خاص مصطفی \*\*\* کسوت من کُنتُ مَوْلَاهُ بقدر اوست راست

طاعت صدساله گر باشد بوزن کوه طور \*\*\* چون کند ایزد تجلی بی هوای او هیاست

کوکب دری تاج شهریاران جهان \*\*\* با وجود نیم ذره خاک پایش بی بهاست

هست سلطان خراسان نی چه گفتم زینهار \*\*\* بر سر هر هفت اقلیم و دو عالم پادشاست

صیت اقبالش که برهاند چو آب از آتشت \*\*\* در بسیط خاک پیمودن مگر بادصباست  
اصل علمی را که بخشد ایمنی از مهلکات \*\*\* در حقیقت با علوم منجیاتش اتماست  
حاسد از درد حسد هرگز کجا یابد نجات \*\*\* بی اشارتش که کلیات قانون شفاست  
شاهباز همتش بر لامکان سازد مکان \*\*\* تا نپنداری که او را شاخ سدره منتهاست  
سرفرو نارد بطوبی و بکوتر همتش \*\*\* کی فرود آرد که آن با همتش آب و گیاست  
بس عجب ناید نعیم خلد اگر خوش نایدش \*\*\* چون ز مهمان خانه قدسش ابا اندر اباست  
از نژندی خصم او را جایگه تحت الثری \*\*\* از بلندی قدر اوفوق سماوات العلاست  
همت عالی او را خاک وزریکسان بود \*\*\* و این که زر بر خاک پاشیده است بر حالش گواست  
قبه گردون گردان حلقه درگاه اوست \*\*\* ز آنسبب چون حلقه دائم قامتش در انحناست  
هر که مهرش در میان جان ندارد چون الف \*\*\* قامتش روز جزا از غم چو جیم و نون دوتاست  
ای جنابت قبله حاجات ارباب نیاز \*\*\* حاجتی کاینجا رود معروض بی شبهت رواست

حاجت ابن یمین راهم رواکن بهر آنک \*\*\* حاجت خلقان رواکردن زاخلاق شماسست  
در ره اخلاص توجزافتقارم هیچ نیست \*\*\* و آنکه زاداونه فقرست اندرین ره بینواست  
نیستم محتاج دنیا چون فنایش در پی است \*\*\* کار عقبی دارو حالش را که در دارالبقاست  
جرم این عاصی مجرم روز حشر از حق بخواه \*\*\* کز تو استغفار وغفران فراوان از خداست  
وین شکسته بسته بیته چندازین مسکین پذیر \*\*\* کاین نه مدح تست بهر شهرت اخلاص ماست  
من کدامین مدح گویم کان ترالایق بود \*\*\* چون صفات ذات پاکت برتر از حدثناست  
کردگار اطاق این فیروزه قصر زرنگار \*\*\* تابحکم واضع دین قبله اهل دعاست  
حضرت عالیش را بر داعیان مفتوح دار \*\*\* کز جنابش یافت داعی هر مراد دل که خواست

ناصر بخاری یا بخارائی سخن سرای مشهور متولد و متوفای سده هشتم هجری .

جمله به کسب جمال در طلب ملک و مال \*\*\* قبله مقصود من باب امام زمن

درج در لافتی برج مه هل اتی \*\*\* حصن بن حصین فتور دارامان فتن

کعبه عالی مقام مشهد هشتم امام \*\*\* عارف راه خدای عالم هر قسم و فن

از کمر مرتضی گوهر موسی رضا \*\*\* آنکه علی نام اوست خلقت و خلقتش حسن

قره عین بتول مفخر آل رسول \*\*\* سروقدی زان ریاض سرخ گلی زان چمن

گیسوی او مشک را سوخته خون در گلو \*\*\* طره او ماه را بسته به مشکین رسن

لایق خوانش نبود محور و نسرين چرخ \*\*\* چیست دوبرغ حقیر برسریک بایزن

آب بقارا بریخت گردهش آب رو \*\*\* درثمین راشکست خاک در اوثمن  
زهره در ایوان اوست مطرب پرده سرای \*\*\* ماه بدوران اوساقی سیمین ذقن  
گر زغبار درش بادبردسوی چین \*\*\* ناف نهد برزمین نافه مشک ختن  
چون بزبانم رودگوهر اوصاف او \*\*\* پرزجواهر شود حقه در عدن  
مدحت اوفرض عین بر همگان عین فرض \*\*\* درقَعَدَاتُ فُروض در رکعات سنن  
خاک رهش را به چشم گر بسپارم رواست \*\*\* پای زیر می کند در ره بت برهمن  
زهر چشید از عنب شیر خوردزان سبب \*\*\* همچونبات بهشت برلب جوی لبن  
ماه جدا از بدورماهی از آب دور \*\*\* اخترنا برده راه در وطن خویشتن  
هرکه بدوجست کین مهر نبودش به دین \*\*\* ظالم اهل یقین مفسد ارباب ظن  
گرچه به آدم بود نسبت هر آدمی \*\*\* خار زجنس نبات هست جدا از سمن  
هفت فلک خمکده است خلق در اوچون شراب \*\*\* صاف در اعلی مقام اسفل اودر درن

صدر نبوت پناه واسطه عقد شاه \*\*\* جوهر خود وصل کرد باگهر بوالحسن

میر ولایت علی دین نبی راوی \*\*\* عزعرب را پسر شاه رسل راختن

گفت سلونی به علم کرده صبوری به حلم \*\*\* حیدر خیرگشای صفدر عنتر فکن

داده به او کردگار بهر وفا ذوالفقار \*\*\* لمعه او بی صقال تیزی او بی مسن

ص: 52

عصمة الله، مشهور به عصمت از شاعران عصر تیموری متوفای سال 829 هـ. ق

ای روضه ای که دهرز بویت معطر است \*\*\* آبت زکوثر و گلت از مشک و عنبرست

در طینت تو چشمه خورشید مضمست \*\*\* بوی تو چون نسیم جنان روح پرورست

خاکی ونه فلک بوجودت منورست \*\*\* تادرتونور دیده زهرا وحیدرست

خورشید کو یگانه رو هفت کشورست \*\*\* بهر شرف ز خاک نشینان این درست

\*\*\*

ای کشور فلک شرف کعبه احترام \*\*\* دارالسلام گفته جناب تر اسلام

بر آستان روضه تومهرومه غلام \*\*\* در گنبد مرصع توهر صباح وشام

از قرص آفتاب وز جرم مه تمام \*\*\* تصویر می کند بسرتبریت امام

صندوق زر پخته و قندیل سیم خام \*\*\* قبر تو خاک نیست که روح که روح مه

\*\*\*

آن بقعه ای که کعبه صدق و صفا دروست \*\*\* وان روضه ای که مسکن آل عبا دروست

وان خطه ای که مخزن گنج بقا دروست \*\*\* وان مرقدی که مشهد شمع رضا دروست

از نکهتی که رایحه مصطفی دروست \*\*\* وز طینتی که نکهت شیر خدا دروست

وز تربتی که خاصیت کیمیا دروست \*\*\* هر صبح و شام کارمه و مهر چون زرست

\*\*\*

ای روضه ای که همچو جنان خرم آمدی \*\*\* چون کعبه قبله گاه بنی آدم آمدی

چون بیت مقدس از فلک اعظم آمدی \*\*\* یا صحن جنتی که در این عالم آمدی

چون صحن زرنگار فلک محکم آمدی \*\*\* از بهر ریش خسته دلان مرهم آمدی

تامرقد خلیفه عیسی دم آمدی \*\*\* خاک درت به تارک جمشید افسرست

ص: 54



هر صبحدم زخون شهیدان کربلا \*\*\* خورشید میکشد علم آل مصطفی  
می سازد از مصیبت اولاد مرتضا \*\*\* برقد صبح پیرهن خون چکان قبا  
اجزای روح می شد ازین غم زهم جدا \*\*\* بهردوای این الم آمد به شهر ما  
سلطان هشتمین علی موسی رضا \*\*\* کاندر بر زمانه تنش روح دیگرست

\*\*\*

شاهی که کاینات طفیل وجود اوست \*\*\* خلوت سرای سدره مقام شهود اوست  
خورشید قرص گرم سرخوان جود اوست \*\*\* قدملک دوتاز برای سجود اوست  
اقبال هم عنان عروج و صعود اوست \*\*\* مردود باد هر که به عالم حسود اوست  
خسران ندید و مغفرت و فضل سود اوست \*\*\* هر کوزحباب آل محمد توانگرست

\*\*\*

روز جزا که نوبت ملک قدم زنند \*\*\* ارواح انبیا همه از قرب دم زنند  
اهل صفا بروضة جنّت علم زنند \*\*\* ارباب معصیت چو نفیرندم زنند

ص: 55

آل علی نخست به میدان قدم زند \*\*\* وز پیشگاه عفو صلاهی کرم زند  
وز مغفرت به نامه هر کس رقم زند \*\*\* مقبل کسی که بنده اولاد حیدرست

\*\*\*

سگ سیرتان چو پنجه به شیر خدازدند \*\*\* تیغ فراق در جگر مرتضا زدند  
برجام زهر امام دوم راصلا زدند \*\*\* وز کین بر آفتاب نجف تیغها زدند  
خنجر بجای قبله که مصطفی زدند \*\*\* شمشیر آبدار بر آل عبا زدند  
آتش به خرمن دل مجروح مازدند \*\*\* کز سوز آن هنوز جگرها پر آذرست

\*\*\*

سنگین دلان دو گون سراسر بسوختند \*\*\* چون بولهب درون پیمبر بسوختند  
وز غم درون خواجه قنبر بسوختند \*\*\* جان کننده در خیبر بسوختند  
کز خرمنش دو دانه گوهر بسوختند \*\*\* هر سینه ای بشیوه دیگر بسوختند  
جبریل را ز حرقت آن پر بسوختند \*\*\* کاینها بافتاب خلافت نه در خورست

ص: 56

ای شاهباز جمله شکار تو آمدیم \*\*\* پر سوخته به راهگذار تو آمدیم  
در بارگاه کعبه شعار تو آمدیم \*\*\* چون حاجیان به طوف مزار تو آمدیم  
از هر دیار سوی دیار تو آمدیم \*\*\* جان بر کف از برای نثار تو آمدیم  
مجروح و خسته بر دربار تو آمدیم \*\*\* رحمی کن آن قدر که زعفر تو در خورست

\*\*\*

نومید و مفلسیم و نداریم هیچ کس \*\*\* نقد حیات داده به تاراج صد هوس  
نالان به گرد کعبه کوی تو چون جرس \*\*\* عصیان هزار و عمر گرفتار یک نفس  
کوهیست آتش تو و ما کم زخار و خس \*\*\* چون در دو کون عاشق روی توایم و بس  
لطفی کن ای کریم و بفریاد ما برس \*\*\* کز هشت خلد لطف تو صد بار خوشترست

\*\*\*

طوطی گلشن انا افصح زبان تست \*\*\* حلال مشکلات سلونی بیان تست  
کشاف لوکشف دل بسیار دان تست \*\*\* مفتاح علم خانه گوهر فشان تست

ص: 57

چون کعبه مراد همه آستان تست \*\*\* عصمت که در ریاض سخن مدح خوان تست

نظام دُرّ منقبت خاندان تست \*\*\* کاندل ریاض مدح تودایم سخن ورست

\*\*\*

دل گرمی و قبول سخن ده به عالمش \*\*\* در نظم و نثر بیش مکن لال و ابکمش

ده آب روی دینی و عقبی بیکدمش \*\*\* آسوده دار تابه ابد شاد و خرمش

وز مکروکین اهل حسد دار بی غمش \*\*\* بخشش درون جمع و مزین بیش برهمش

صدسال زنده دار و مساز از جهان کمش \*\*\* و آنگاه هر که را که هوای تو در سراسر است

\*\*\*

در کار بسته همه یارب گشاد ده \*\*\* مجموع را به کنج هدایت مراد ده

در ماندگان جرم و گنه را توداد ده \*\*\* اسرار ذکر خود همه کس را بیاد ده

با اهل دل مدام صلاح و رشاد ده \*\*\* توفیق ترک غفلت و فسق و فساد ده

در هر دلی که درد تو نبود بیاد ده \*\*\* کانست کوبه عالم تحقیق رهبرست

ص: 58

سید محمود ملقب به نظام الدین و متخلص به داعی متولد 810 و متوفای سال 870 هجری .

گزارشی عشر کسی پرسد \*\*\* در پی نام و وصف جمله بیوی

مرتضی و حسن و حسین و دگر \*\*\* علی بن حسین و باقر جوی

صادق و کاظم و رضی و تقی \*\*\* تقی و عسگری و قائم گوی

ص: 59

محمد بن حسام الدین از شاعران مشهور سده نهم سخن سرایی توانا و عالمی بلند همت که عمری را در ستایش خاندان رسول گذرانده است وی بسال هشتصد و هفتاد و پنج هجری قمری در گذشت .

افراشت چون قضا علم ز رنگار طوس \*\*\* پرنور چون بهشت برین شد مزار طوس

کرو بیان قرار گرفتند برقرار \*\*\* در روضه مقرر دارالقرار طوس

ای آنکه باغ خلد ندیدی بیا به بین \*\*\* خوشتر ز گلستان ارم مرغزار طوس

از مشهد مقدس سلطان اولیا \*\*\* شد منزل و مقام ملایک مزار طوس

این طاق نه رواق مقرنس نمونه ایست \*\*\* از عکس بارگاه شه شهریار طوس

در طوس تا قرار گرفتست ذوالجلال \*\*\* از عرش کرده نور تجلی نثار طوس

ای صاحب ولایت و عصمت ز روضه ات \*\*\* برکاینات هست کنون اقتدار طوس

بیت الحرام قبله شد و مرقد تونیز \*\*\* آن در میان مکه و این برکنار طوس

یک طوف روضه تو بصد حج برابر است \*\*\* روز جزا قبول کند کردگار طوس

چون حج اکبر است طواف مزار تو \*\*\* ای بر جهان ز روضه توافتنار طوس

تا در عنب به زهرتورا قتل کرده اند \*\*\* تلخ است کام جان جهان از خمار طوس

انگور کرده اند چو آب عنب حرام \*\*\* بر کام خویش متقیان در دیار طوس

لعنت بر آن لعین که بدرگاه حق بر او \*\*\* دعوی خون خویش کند زهر خوار طوس

مانند آفتاب جهانتاب روشنست \*\*\* از نور بارگاه تو شب های تار طوس

معمور باد روضه ات از نور ذوالجلال \*\*\* در دست اهل بیت تو باد اعتبار طوس

\*\*\*

عبیر می دمد از ناف آهوان ختن \*\*\* بتاب طره تو! نرخ عبیرشان بشکن

نه از خطاست که از چین طره تو برد \*\*\* صبا شمامه مشک ختابخاک ختن  
چوسایه در ظلمات حجاب خویش بماند \*\*\* زرشک قد تو در باغ سروسایه فکن  
زبوی طره تو چون شمیم باد شمال \*\*\* معنیر است ریاحین معطر است چمن  
همای جلوه و طاوس شکل و کبک خرام \*\*\* تذرو زینت و طوطی مقال وفاخته فن  
نشانه رخ و زلفت گلست و سنبل تر \*\*\* نمونه خدو خطت شقایقست و دمن  
چو سرواگر بخرامی بجانب گلزار \*\*\* بخود فرود شود از رشک سنبلت سوسن  
بباغ سروسهی باوجود دلجوئی \*\*\* کشیده پای زرشک قد تو در دامن  
چو غنچه گر برهانی زروز دلتنگی \*\*\* بخنده گربگشائی بسان غنچه ذهن  
نگر که یوسف گل راز رشک عارض تو \*\*\* دریده است زلیخای باد پیراهن  
تورازگوی وز چوگان همین تمام که یار \*\*\* دلم بخست بچوگان زلف و گوی ذفن  
گیاه و لاله دمدم میدم چوفصل بهار \*\*\* بر آستان توهر دم زآب دیده من



چو جان درازی سرو تو از خدا خواهم \*\*\* روم بقبله حاجت روای اهل زمن  
بخوابگاه شهادت مآب مشهد طوس \*\*\* شهید خاک خراسان قتیل ظلم وفتن  
رضای مرتضوی منزلت که خاک درش \*\*\* روا بود که بود توتیای چشم پرن  
بآبروی شریفش جوار اهل حجاز \*\*\* بخاک کوی نظیفش یمین اهل یمن  
ز بوی تربت پاکش او یس زنده شود \*\*\* نسیم اگر برساند شمیم او به قرن  
به برزنی که در او روضه مقدس اوست \*\*\* بهشت برزند باسواد آن برزن  
فراز قبه اونیز طایر ار بپرد \*\*\* بریزدش زحیا پرو شهپراز برغن  
همای سدره نشین را بر آستانه اوست \*\*\* چوطایران حرم طوق طوع در گردن  
هنوز شام چو عباسیان سیه پوشست \*\*\* که هم زدوده عباس یافت دردحزن  
بسوخت ز آتش جانسوز دوده عباس \*\*\* زسوز جوشن او آفتاب را جوشن  
عنب بزهر بر آلوده داد مأمونش \*\*\* چنان که سوده الماس داد زن به حسن

مدار امن وامان را بزهر قاتل کشت \*\*\* تو خود بگویی که مأمون کجا بود مأمون

عفونت عنب زهرناک در جگرش \*\*\* چنان برفت که شد زهر زهره اش در تن

شفق بخون عنبگون بشست عارض خود \*\*\* از آن عنب که بدان زهر ناب گشت عفن

هنوز خون جگر در درونه عنبست \*\*\* چنان که در حلبی آبگینه دردی دن

چوزان عنب رخ عنابیش عنبگونشد \*\*\* عنب بریخت چوعناب خون دل ز بدن

از آن دودانه عنب باسرشک عنابی \*\*\* هنوز زهره چوزهر اهمی کند شیون

گرش نه لطف جوانمردی و کرم بودی \*\*\* بیک مقام نبودی مقیم با دشمن

ایا مقیم مقام تو طایر جبروت \*\*\* ایا بخاک درت چشم روشنان روشن

مقیم خاک خراسان شدی بدرد و فراق \*\*\* چو با تاسف یوسف، مقیم بیت حزن

اگر نه از جهت اتفاق اهل نفاق \*\*\* به غدر با تو برون آمدی چه مرد و چه زن

امیرقافله تنها چرازند خرگاه \*\*\* شریف مکه بغربت چراکند مدفن

بسوک قتل تو بر نیل زد بنفشه کلاه \*\*\* بداغ مرگ تو در خون گرفت لاله کفن  
تواز بلاد عرب مسکن از دیار عجم \*\*\* تو از حجاز و خراسان تو را بود مسکن  
بکعبه تو همه عمره کرده اهل صفا \*\*\* چو حاجیان بمشاعر توجهی متقن  
بر آفتاب جهان تو آن شرف دارد \*\*\* که بر کواکب رخشنده آفتاب علن  
بهفت حج و به هفتاد حج برابر کرد \*\*\* زیارت تو رسول از کرامت ذوالمن  
بآفتاب چه نسبت کنم جمال تورا \*\*\* که آفتاب ندارد زوال از روزن؟  
ز مرقد تو بهشت برین یکی منظر \*\*\* زروضه تو ریاض جنان یکی گلشن  
نثار مرقد پاک بزرگوار تورا \*\*\* گرفته هفت طبق آسمان زدر عدن  
به بوی آن که بیابد ز مشهدت بوئی \*\*\* صبا بنخاک خراسان همی برد مکمن  
سزا بود که ضیافت کند بصد اعزاز \*\*\* رسول وادی ایمن تورا بسلوی و من  
چنان که باد صبا صحت آورد ببرد \*\*\* لب مسیح مقال تولکننت الکن

منم که درس ثنای تو می کنم تکرار \*\*\* بصبح وشام بروز و بشب بسروعلن  
به شیر مدحت تو چون لبم شود شیرین \*\*\* زجویار جنانم دهندشهد لبین  
بخاک روضه پاک تو آرزومندم \*\*\* چو خاک تشنه بیاران وتن بخاک وطن  
نمی رسد به ثنای تو ذهن ابن حسام \*\*\* مگر ثنای توحشان کند بوجه حسن  
اگر چه جوهری درج لؤلؤ سخنم \*\*\* بقدر توتوانم بلی گهرسفتن  
طراوت سخن آبدار شیرینم \*\*\* شکست در ثمین را رواج قدر ثمن  
چومن همای بلند آشیان سلطانم \*\*\* مرا چه باک ز فریاد زاغ و بانگ زغن  
منم که طوطی طبعم نمی دهد در باغ \*\*\* مجال بلبل خوش نغمه را بگاه سخن  
زبسکه باغ سخن طبع من معطر کرد \*\*\* زمن برندریا حین سخنوران زمن  
چوما حواله کوچیم و برگذر چاهست \*\*\* بچاه بر نتوان آمدن مگر برسن  
من اعتصام بحبل المتین از آن دارم \*\*\* که رشته ایست مسلسل مرا امید وطن

نورالدین عبدالرحمن ، شاعر، عارف و نویسنده معروف متولد و متوفای سده نهم هجری ( 898 هـ . ق )

سلام علی آل طه و یاسین \*\*\* سلام علی آل خیرالنیین

سلام علی رُوْضَة حَلّ فیها \*\*\* امام بیاھی به الملك والدين

امام بحق شاه مطلق که آمد \*\*\* حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان گل شاخ احسان \*\*\* در درج امکان مه برج تمکین

علی بن موسی الرضا کز خدایش \*\*\* رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

زفضل و شرف بینی او را جهانی \*\*\* اگر نبودت تیره چشم جهان بین

پی عطر رویند حوران جنت \*\*\* غبار دیارش به گیسوی مشکین

اگر خواهی آری به کف دامن او \*\*\* برود امن از هر چه جز اوست در چین

چو جامی بچش لذت تیغ مهرش \*\*\* چه غم گر مخالف کشد خنجر کین

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

